

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات

البرز محقق گرمی، نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و

حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه:

mohaghegh.gr@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: 1404-03-05

تاریخ بازنگری: 1404-04-07

تاریخ پذیرش: 1404-05-01

تاریخ انتشار برخط: 1404-05-03

چکیده

زکات در شمار واجبات عبادی اسلام قرار دارد که ادای آن ثمرات گوناگون اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی را در پی خواهد داشت. یکی از فروع مربوط به این فریضه، مواردی است که زکات به آنها تعلق می‌گیرد. در این باره دو دسته عمومی از روایات وجود دارند که بر اساس دسته‌ای، موارد زکات در نه مورد منحصر است و ظاهر دسته دیگر بر امکان توسعه موارد زکات رهنمون است. فقیهان در مواجهه با روایات دسته دوم، سه دیدگاه را برگزیده‌اند: طرح آنها، حمل بر استحباب یا حمل بر تقیه. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره از منابع استادی در پی تحلیل روایات پیش گفته است. برای دست یافتن به این هدف، پس از تبیین و نقد هر یک از رویکردها به این روایات، ناکارآمدن بودن هر یک از آنها در زدودن تعارض روایات به اثبات رسیده است. در گام پسین، برای ارائه رویکردی مناسب، شماری از روایات در قامت شاهد جمع مورد استناد قرار گرفته‌اند که در بردارنده مؤلفه‌های ذیل‌اند: عفو رسول خدا(ص) از سایر موارد، عفو زکات خرما توسط امام کاظم(ع)، ثبوت زکات برنج برای مردم اهل عراق، وابسته بودن

موارد زکات به نظر معصوم (ع). دستاورد پژوهش آن است که با توجه به این روش، موارد زکات به شرایط زمانی، مکانی یا مصالحی وابسته بوده است و معصوم (ع) یا حاکمان صالح دولت اسلامی می‌توانند موارد آن را تعیین نمایند.

کلیدواژه‌ها: متعلقات زکات، روایات متعارض، استحباب، تقیه، شاهد جمع، عفو معصوم (ع).

۱. مقدمه

یکی از واجبات بنیادین دین اسلام زکات است که با وجود قرار گرفتن در شمار اعمال عبادی، ثمرات و نتایج اجتماعی برای آن متصور خواهد بود. در آموزه‌های قرآنی، سی و دو آیه از تشریع زکات، برخی فروع فقہی آن و نیز آثار سازنده پرداخت آن سخن گفته‌اند. در آموزه‌های حدیثی نیز به ضرورت پرداخت زکات و برخی کارکردهای آن اشاره شده است. اهمیت فریضه زکات سبب شده تا روایات فراوانی درباره انواع، آثار و فروع فقہی آن از معصومان (ع) صادر شود. افزون بر مفهوم «زکات ظاهری»، در روایتی نیز از مفهومی با عنوان «زکات باطنی» سخن به میان آمده است.^۱ امام عسکری (ع) نیز ذیل آیه «وَأَتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳) چنین تفسیری بیان فرموده‌اند: «أَيُّ مِنَ الْمَالِ وَالْجَاهِ وَقُوَّةِ الْبَدَنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۲۸). در برخی از نگاشته‌های فقہی از عبارت «زکات الابدان» در برابر «زکات الاموال» استفاده شده و مراد از آن، زکات فطره دانسته شده است (سلار دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۷؛ طباطبائی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۹۲). اما به نظر می‌رسد در این تعبیر تسامحی وجود دارد، چرا که در روایاتی مانند «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَ زَكَاةُ الْإِبْدَانِ الصِّيَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۳۶۹)، زکات بدن همان روزه گرفتن قرار داده شده است. در این حدیث، معنای لغوی زکات و اثر گذاری آن بر تزکیه نفس مورد توجه بوده است نه حقیقت شرعی مفهوم زکات.

۱. ثقه الاسلام کلینی به اسناد خویش از مفضل بن عمر چنین نقل می‌کند: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فِي كَمْ تَجِبُ الزَّكَاةُ مِنَ الْمَالِ؟ فَقَالَ (ع) لَهُ: الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ؟ فَقَالَ أَرِيدُهُمَا جَمِيعًا. فَقَالَ (ع) أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْنِزُ عَلَى أَحَدٍ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۱۸۰).

درباره موضوع مواردی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، دو دسته روایات بیانگر حصر متعلقات زکات در مواردی مشخص و روایات بیانگر محدود نبودن موارد زکات یافت می‌شود. فقیهان در مواجهه با این روایات همداستان نیستند. مشهور فقیهان، موارد زکات را در نه مورد ذیل منحصر نموده‌اند: طلا، نقره، گاو، گوسفند، شتر، گندم، جو، خرما و کشمش (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۴؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن ادریس، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۳۰؛ محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۰؛ یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۹؛ خویی، ۱۴۲۲، ص ۳۱۸؛ گلپایگانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱؛ وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹). در این دیدگاه، روایات دال بر توسعه بر استحباب یا تقیه حمل شده‌اند (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۵۰ و ۱۵؛ نجفی، ۳۶۳، ج ۱۵، ص ۶۵). برخی نیز میان حمل بر استحباب یا حمل بر تقیه دیدگاه آشکاری را اتخاذ ننموده‌اند و تنها از ظاهر روایات بیانگر توسعه دست شسته‌اند (محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۰).

با این حال در دهه‌های اخیر به سبب عللی چون شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی، گسترش نهادهای حکومتی مربوط به سرپرستی نیازمندان و توسعه نسبی درآمدهای گوناگون شهروندان مسلمان، این دیدگاه به وجود آمده که موارد زکات قابل توسعه است. برخی از فقیهان با بررسی دقیق ادله، تنها این حکم را موافق با احتیاط دانسته‌اند (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ فضل‌الله، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۴۸۷). برخی دیگر با بهره از اصل ضرورت تغییر برخی از احکام بر حسب شرایط زمانی حکم به توسعه موارد زکات در عصر کنونی داده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۱؛ جعفری، ۱۴۰۰، ص ۵۳۱؛ جناتی، ۱۳۸۵، ص ۷۷). این دیدگاه وجود دارد که اختیارات حکومت اسلامی تنها به جهت نیازهای جامعه اسلامی و ضرورت است که می‌تواند سبب توسعه موارد زکات گردد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۷۶، ص ۹).

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره از منابع اسنادی به دنبال یافتن حکمی مناسب برای تعلق زکات به مواردی غیر از نه مورد معروف است. پرسش اصلی آن است که آیا موارد زکات تنها در موارد نه گانه معروف منحصر هستند؟ برای دست یافتن به این هدف دیدگاههای مبتنی بر انحصار موارد زکات تحلیل شده و با دلایل مقبول به نقد کشیده شده‌اند. دیدگاه برگزیده با بهره از بخش‌هایی از روایات دربردارنده حکم در قامت «شاهد جمع» سامان یافته که حکمی نوین را با توجه به تمامی ادله بدون قید احتیاط واجب یا مستحب به دست خواهد داد.

۲. پیشینه

در مکتوبات مربوط به فقه فتوایی و استدلالی بیانگر فروع زکات، بخشی به تبیین موارد واجب زکات پرداخته شده است. بر اساس جستجوی به عمل آمده برخی از نگاشته‌ها به طور ویژه موارد زکات یا امکان توسعه آنها را مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه حسینعلی منتظری در بخشی از «کتاب الزکاه» (۱۴۰۴) کوشیده است تا با بهره از اهداف تشریع زکات و مؤلفه‌های متغیر زمانی و مکانی، امکان توسعه مواد زکات را به اثبات برساند. در کتاب «فقه الزکاه؛ دراسه مقارنه لمکانتها و فلسفتها فی ضوء القرآن و السنه» (۱۴۲۲ق) به قلم یوسف قرضاوی نیز توسعه موارد زکات از طریق توجه به مقاصد تشریع این فریضه پی گرفته شده است.

محمد قاضی در کتاب «زکات پول‌های رایج و اشیاء نوپیدا» (۱۳۸۵) با بررسی ادله نفی زکات از موارد نه گانه و تبیین ادله جواز زکات در پول‌های رایج، بر این باور است که روایات بیانگر حصر، تنها بر حصر مواردی رهنمون هستند که در زمان رسول خدا (ص) وجود داشته ولی نسبت به حکم پول‌های رایج، ساکت هستند (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۶۲). در کتاب «زکات باطنی» (۱۳۹۴) به خامه جواد ایروانی نیز به شایستگی از یکی از واجبات مالی به نام زکات باطنی سخن گفته شده که نصاب ظاهر و مخفی نداشته و به میزان محرومیت در جامعه وابسته است (ایروانی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). محمد تقی جعفری در مقاله «عدم انحصار زکات در موارد نه گانه»

(۱۴۰۰)، پس از تبیین مفهوم زکات و انفاق در قرآن با تمسک به آیات بیانگر علت و حکمت پرداخت‌های مالی در قالب انفاق، روایات انحصار را معارض با این عمومات دانسته و آنها را تأمین‌کننده هدف نمی‌داند (جعفری، ۱۴۰۰، صص ۵۱۳-۵۲۹).

در مقاله «تحلیل نظری زکات و بررسی امکان تعمیم دامنه اموال مشمول زکات» (۱۳۸۸) با همکاری علمی محمد مهدی عسکری و مهدی اسماعیلی پور رده سعی شده است تا با بهره از روایت دال بر استقرار زکات در عصر امیر المومنین علی (ع) و نیز شماری از روایات، حکم تعمیم زکات بر اموال گوناگون به اثبات برسد. رحمت شایسته فرد در مقاله «بررسی حصر و اطلاق موارد متعلق زکات» (۱۳۹۷) پس از نقل روایات و نظریه شماری از فقیهان، راکد بودن هر گونه مالی را سبب قرار گرفتن زکات بر آن دانسته است. در مقاله «مبانی نظریه عدم انحصار وجوب زکات در موارد نه گانه» (۱۳۸۲) به قلم مهدی نظری، با بهره از مؤلفه مخالفت با قرآن، روایات بیانگر حصر، مرجوح دانسته شده و بر شرائط ویژه زمانی حمل شده‌اند. محمد قاسم الشوم نیز در کتاب «زکاه الزروع الثمار فی ضوء تطور الزراعه فی العصر الحديث» (۱۴۳۲ق) به تبیین ۴ نظریه ذیل درباره زکات محصولات زراعی پرداخته: ۱) انحصار به گندم، جو، کشمش و انگور؛ ۲) هر آنچه که قوت آدمی بوده قابلیت حفظ و بقاء داشته باشد، ۳) هر آنچه قابل وزن کشتی و بقاء باشد و ۴) هر آنچه از زمین خارج می‌گردد. وی با در نظر گرفتن شرایطی به نظریه چهارم باورمند است.

با وجود این پژوهش‌های ارزنده، راهکار مقبولی برای جمع میان مجموع روایات موضوع به عنوان پژوهشی مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. نوآوری پژوهش در ارائه راهکاری جدید برای زدودن تعارض میان روایات مربوطه است که بر اساس روش «شاهد جمع» سامان یافته است و حکمی نوین درباره موارد زکات را منتج نموده است. تبیین دقیق چالش‌های هر یک از سه دیدگاه طرح روایات رهنمون بر توسعه، حمل آنها بر استحباب یا تقیه، نوآوری دیگر این نوشتار

ارزیابی می‌گردد. تبیین روایات رهنمون با بهره از دستاوردهای پیشین نیز یکی دیگر از نوآوری‌های این جستار است.

۳. روایات بیانگر موضوع

حکم موارد زکات در قرآن به نحو اجمال بیان شده و سنت تشریعی قولی و عملی رسول خدا (ص) و معصومان (ع) به سان مصدري تشریعی برای احکام اسلامی، قابلیت تبیین اجمال پیش‌گفته را خواهد داشت. اما روایات بیانگر موضوع را می‌توان در دو دسته عمومی جای داد که بر اساس دسته اول، موارد زکات در نه مورد منحصر است و بر اساس دسته دوم، موارد زکات قابل توسعه هستند.

۳-۱. روایات بیانگر انحصار موارد زکات

در این بخش به روایات رهنمون بر انحصار موارد زکات پرداخته می‌شود:

- ثقه الاسلام کلینی به اسناد خویش در حدیث صحیحی از پنج تن از اصحاب اجماع از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نقل می‌کند که چنین فرمودند: «فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ، وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ: فِي الذَّهَبِ، وَ الْفِضَّةِ، وَ الْإِبِلِ، وَ الْبَقَرِ، وَ الْغَنَمِ، وَ الْحَنْظَلَةِ، وَ الشَّعِيرِ، وَ التَّمْرِ، وَ الزَّيْبِ، وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ»^۲ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۳).
- شیخ طوسی در حدیث صحیح دیگری از بکیر و زرارہ از امام صادق (ع) نقل می‌کند که درباره موارد زکات محصولات زراعی چنین فرمودند: «وَ أَمَّا مَا أَتَبَتِ الْأَرْضُ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَلَيْسَ فِيهِ زَكَاةٌ إِلَّا فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ الْبُرِّ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ لَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ»^۳ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۹).

^۲ خدا زکات را مانند نماز در اموال قرار داد و رسول خدا (ص) آن را در نه مورد قرار داد و به غیر از این مورد بقیه را عفو نمود: طلا، نقره، شتر، گاو،

گوسفند، گندم، جو، خرما و کشکش و مابقی را عفو نمود.

^۳ آنچه که از زمین می‌روید زکات ندارد جز چهار مورد که عبارتند از: گندم، جو، خرما و کشمش و در غیر این چهار مورد زکات نیست.

روایات مشابهی نیز وجود دارند که بر اساس مدلول آنها، زکات از مواردی مانند لباس‌های گران‌بهاء، زیور آلات، طلا و نقره غیر مسکوک و مواردی دیگری به جز غلات اربعه، اغنام ثلاثه و غلات اربعه نفی شده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، صص ۶۶-۷۰؛ این بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴). مجموع این روایات، این دیدگاه را ایجاد می‌کنند که موارد زکات واجب منحصر به همین نه مورد است.

۳-۲. روایات بیانگر توسعه

این روایات را به دو دسته ذیل می‌توان تقسیم نمود.

۳-۲-۱. روایات بیانگر شمول زکات بر هر محصول زراعی مکمل و موزن

- ثقه الاسلام کلینی در حدیث صحیحی از محمد بن اسماعیل بزیع چنین آورده است: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع) إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَأَرْضًا فَمَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهَا فَقَالَ (ع) أَمَّا الرَّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ وَأَمَّا الْأَرْضُ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ بِالْعُشْرِ وَمَا سَقَى بِالْدَّكْوِ فَنُصْفُ الْعُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كُنْتَ بِالصَّاعِ أَوْ قَالَ وَكِيلٍ بِالْمِكْيَالِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۷).
- در حدیث صحیحی از طریق حریر از زراره از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: «كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَبَغَ الْأَوْسَاقُ^۴ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ قَالَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَالْبُقُولِ وَ كُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، صص ۴۵-۴۶).

در شماری دیگر از روایات نیز پرداخت زکات بر تمام حبوبات لازم خواهد بود. برای نمونه:

- ثقه الاسلام کلینی در حدیث صحیحی پرسش محمد بن مسلم از امام صادق (ع) و پاسخ ایشان را چنین نقل نموده است: «سَأَلْتُهُ (ع) عَنِ الْحَبُوبِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا قَالَ الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَ

^۴ . اوساق جمع وسق است و مراد از آن شصت رطل، ۱۶۰ من، ۳۲۰ رطل حجازی یا سه قفیز است (ر.ک: ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۸۵۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۶۶۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۴۶).

الدُّرَّةُ وَالدُّخْنُ وَالْأَرُزُّ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسَّمْسَمُ (ع) كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۵).

- در روایت مشابه صحیح دیگری از طریق ابوبصیر چنین نقل شده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ فِي الْأَرُزِّ شَيْءٌ؟ فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرُزٍّ فَيُقَالُ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ عَامَهُ خَرَّاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵). به موجب این روایت، برنج نیز مشمول زکات خواهد بود.

مجموع این روایات دارای استفاضه بوده و حتی برخی از فقیهان بر این باورند که دارای تواتر اجمالی هستند (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۹۳). بر اساس این روایات، ثبوت زکات در غیر از موارد نه گانه مشهور به اثبات می‌رسد.

۲-۳. روایات بیانگر شمول زکات بر تمام درآمدهای یک ساله

بر اساس شماری از روایات، هر آنچه عنوان مال بر آن صدق کند، پس از گذشت سال، مستوجب زکات خواهد بود.

- ثقه الاسلام کلینی به اسناد صحیح خویش از محمد بن مسلم نقل می‌کند که امام صادق (ع) چنین فرمودند: «كُلُّ مَالٍ عَمِلْتَ بِهِ فَعَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۹۶).

- نگارنده کتاب تهذیب الاحکام در حدیث صحیحی از ابوبصیر از امام صادق (ع) چنین آورده است: «لَيْسَ عَلَى الْخُضَرِ وَ لَا عَلَى الْبَطِيخِ وَ لَا عَلَى الْبُقُولِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ إِلَّا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ غَلَّتِهِ فَبَقِيَ عِنْدَكَ سَنَةً» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۶). همین حدیث با سند صحیح دیگری از سماعه بن مهران نیز نقل شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۹). بر اساس این روایت، در آمد حاصل شده از فروش سبزیجات مشمول زکات خواهد بود. اما

در شماری دیگر از روایات سبزیجات مشمول زکات نیستند.^۵ به نظر میرسد که علت اصلی عدم تعلق زکات به عین سبزیجات، فساد پذیری آنها در زمان کوتاه است. در برخی روایات مانند روایت صحیح «كُلُّ شَيْءٍ لَا يَكُونُ لَهُ بَقَاءُ الْبَقْلُ وَالْبَطِيخُ وَالْفَوَاكِهُ وَشِبْهُ ذَلِكَ مِمَّا يَكُونُ سَرِيعَ الْفَسَادِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۶) به این نکته اشاره شده است.

۴. تبیین دیدگاه فقیهان درباره روایات دال بر توسعه

در این بخش سه دیدگاه عمومی درباره روایاتی که در ظاهر، موارد زکات را محدود نمی کنند بیان شده است.

۴-۱. طرح روایات

برخی بر این باورند که اساساً میان دو دسته از اخبار پیش گفته تعارضی نخواهد بود بلکه روایات بیانگر توسعه به سبب اعراض اصحاب از آنها، موهون بوده و مورد توجه نیستند. فراوانی این روایات هم نباید مورد توجه قرار بگیرد، چرا که قاعده «كلما ازداد الخبر صحة ازداد عند الإعراض عنه ضعفا» دربار آنها جاری خواهد بود (آملی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۳۳۲). از این معیار با عناوین مشابهی چون «رفض العمل بروایته» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷)، «عمل الاصحاب علیه» (مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۸۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۸، ص ۴۲۱)، «مخالفاً للمذهب المشهور» (خواجهویی، ۱۴۱۸، ص ۹۹) یاد شده است. کسانی معتقدند که وهن اعتبار حدیث بواسطه اعراض فقهاء از آن قاعده‌ای است که از محتوای آن بارها در کتب فقهی یاد شده است؛ هر چند به الفاظ آن اشارتی نرفته باشد (انصاری، محمد علی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۱۳). به موجب این قاعده، اگر حدیثی دارای اسناد صحیح بیشتری باشد اما فقیهان از آن اعراض نموده باشند، می‌توان فهمید حدیث دارای اعتبار نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۲۵؛ صالحی

^۵. برای نمونه در حدیث صحیحی از امام باقر (ع) چنین آمده است: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْخَضِرِ فِيهَا زَكَاةٌ وَإِنْ بَاعَ بِالْمَالِ الْعَظِيمِ فَقَالَ: «لَا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۹). یونس بن عبدالرحمن نیز پرسش خود از امام کاظم (ع) را چنین نقل کرده: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْأَشْنَانِ «۲»، فِيهِ زَكَاةٌ؟ فَقَالَ لَا» (همان، ص ۵۱).

مازندرانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۶۸). باورمندان به بهره از شهرت عملی در قامت سنجهای برای نقد حدیث، اعراض اصحاب را نشان از وجود کاستی در روایت و مهمترین سبب برای وثوق به عدم صدور حدیث (آملی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۰۸) یا مراد نبودن ظاهر آن دانسته‌اند (حسینی میلانی، ۱۴۳۵، ج ۶، ص ۳۹۶).

این دیدگاه نیز وجود دارد که روایات بیانگر عفو رسول خدا (ص) از مواردی از زکات به سبب کذب راویان آنها در انتساب صفت مشرع بودن به ایشان، پذیرفتنی نیست (صادقی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹).

بررسی و نقد

در مورد قاعده مذکور حق این است که اعراض اصحاب را تنها زمانی می‌توان مفید دانست که در میان قدماء شکل گرفته باشد و نیز تمامی فقیهان متقدم بر اساس آن روایات فتوا نداده باشند. اما در مواردی که شماری از فقیهان از روایت اعراض کرده‌اند و شماری دیگر بر اساس آن فتوا داده‌اند نمی‌توان این قاعده را جاری دانست (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۶). مراد از اعراض فقهاء، وا گذاشتن آن و عدم توجه فقیهان متقدم به آن در فرآیند استنباط است (بدری، ۱۴۲۸، ص ۷۹). منظور از متقدمان نیز فقیهانی است که نزدیک به عصر صدور روایات می‌زیستند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ص ۲۹). شماری از ایشان عبارتند از مشایخی چون ابن جنید، ابن ابی عقیل، علی بن بابویه، صدوق، مفید، طوسی، سید مرتضی، حلبی، سلار دیلمی و ابن برّاج (صنقره، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۰۹). در مورد مساله مذکور نیز هم یونس بن عبدالرحمن که یکی از اصحاب اجماع است، روایات دال بر توسعه را پذیرفته^۶ و هم ابن جنید اسکافی بر اساس آن فتوا داده است.

^۶. بنا بر آنچه ثقه الاسلام کلینی گزارش نموده است، وی معنای عفو رسول خدا (ص) را چنین تبیین نموده است: «إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ النَّبُوَّةِ كَمَا كَانَتِ الصَّلَاةُ رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهَا سَبْعَ رُكْعَاتٍ، وَكَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَضَعَهَا وَسَنَّهَا فِي أَوَّلِ نُبُوَّتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْجُزُوبِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۴). درباره این دیدگاه جناب یونس بن عبدالرحمن در بخش ۵-۲ مطالبی خواهد آمد.

گرچه نگاشته ابن جنید اکنون در دسترس نیست^۷ اما محقق حلی این نظر را از او نقل نموده (محقق حلی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۹۳) و علامه حلی نیز برخی مواردی که ابن جنید مشمول زکات می دانسته بر شمرده است (ن.ک: علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص ۱۹۵-۱۹۷).

ادعای مبتنی بر طرح روایات به سبب مخالف متن آنها با عدم تشریع احکام توسط معصومان (ع) نیز پذیرفتنی نیست. چرا که بر اساس روایاتی، تشریع شماری از احکام به معصومان (ع) واگذار شده است. بنگرید:

- ثقه الاسلام کلینی به اسناد معتبر خویش از امام صادق (ع) چنین نقل نموده است: «لَا وَاللَّهِ، مَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ إِلَّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِلَى الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»، وَهِيَ جَارِيَةٌ فِي الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۶۷).

- از زراره از صادقین علیهما السلام چنین نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمْرَ خَلْقِهِ؛ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتُهُمْ»، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۶۵).

مراد از تفویض در این روایات، تفویض امور دینی یعنی حق تشریع و جعل حکم است (سبحانی و عزیزاده نجار، ۱۳۹۴، ص ۲۷). این دیدگاه وجود دارد که یکی از حکمت‌های تفویض بسیاری از احکام به ائمه علیهم السلام آن است که پیروان آنها از سایرین متمایز باشند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶۵). نیک هویدا است که پاره‌ای از تشریعیات در هر دو عرصه احکام ثابت و احکام متغیر، به واسطه منصب ریاست و مدیریت معصومان (ع) به آنها واگذار شده تا با در نظر گرفتن مصالح دائمی یا موقت به جعل آنها بپردازند. از برخی روایات نیز چنین بر می آید که

^۷ محمد بن احمد بن الجنید اسکافی یکی از بزرگان قداماء امامیه و از اصحاب صاحب کتاب فتوا بوده که دارای بیش از پنجاه تألیف بوده است (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۰۶). مشهورترین کتاب وی به «الاحمدی فی فقه المحدثی» شهره است. وی استاد بزرگانی چون شیخ مفید، نجاشی و شیخ طوسی بوده و در سال ۳۸۱ قمری از دنیا رفته است (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۱۶).

تشریع برخی از احکام، اولین بار توسط ائمه رخ داده است، مانند درنظر گرفتن هشتاد ضربه تازیانه برای شرب خمر.^۸ با این توضیحات مفهوم «اصل مُشَرِّع بودن معصومان (ع)» به اثبات می‌رسد.

۴-۲. حمل روایات بر استحباب

شمار قابل توجهی از فقیهان بر این باورند که روایات بیانگر توسعه موارد زکات، حکمی الزامی را بیان نمی‌کنند بلکه تنها حکم مندوبی را اعلام کرده‌اند که عمل به آن مستحسن خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۴؛ نجفی، ۳۶۳، ج ۱۵، ص ۶۵؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۲۹؛ مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ج ۲۲، ص ۸۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۴، ج ۱؛ صص ۲۷۷-۲۷۸).

دلیلی که بر این مطلب بیان شده، صراحت ادله بیانگر انحصار موارد زکات در برابر لسان روایات گروه مقابل است (فیض کاشانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۴؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۵). به بیان دیگر، روایات انحصار در بیان حاکم تأکید بیشتری نسبت به روایات توسعه موارد زکات دارند (اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ج ۲۲، صص ۷۹-۸۰). برخی نیز، عدم وضوح روایات دال بر توسعه بر وجوب را دلیل دست شستن از ظاهر آنها دانسته‌اند (محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۰). در این حالت، روایات ثبوت زکات در موارد نه گانه، بر ثبوت الزامی آن دلالت ندارد بلکه مراد از ثبوت، مندوب بودن آن است و این روش، بهترین راهکار برای جمع میان این روایات و روایات آکد در وجوب، حمل روایات توسعه بر استحباب است.

^۸. از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: «قُلْتُ لَهُ كَيْفَ كَانَ يَجِدُ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ فَقَالَ كَانَ يَضْرِبُ بِالنَّعَالِ وَ يَزِيدُ كُلَّمَا أَتَى بِالشَّارِبِ ثُمَّ لَمْ يَزَلِ النَّاسُ يَزِيدُونَ حَتَّى وَقَفَ عَلَى تَمَانِينَ أَشَارَ بِذَلِكَ عَلَيَّ (ع) عَلَى عُمَرَ فَرَضِي بِهَا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۱۱۷).

باور به صراحت روایات بیانگر توسعه بر عدم وجوب ناستوار به نظر می‌رسد. چرا که این ادله تنها بر ظهوراتی اولیه دلالت دارند که می‌توان با بهره از قرائنی این ظهور ابتدایی ذهنی را قابل خدشه دانست. برای نمونه، اگر مراد از اخبار توسعه، استحباب باشد، وجهی برای مخالفت امام (ع) در غیر از موارد نه گانه باقی نمی‌ماند، در حالیکه در شماری از روایات، عباراتی مانند «لَيْسَ فِي غَيْرِهَا شَيْءٌ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲) به کار رفته که نافی هر گونه حکم الزامی یا غیر الزامی در موارد دیگر، غیر از موارد نه گانه است.

هم چنین در روایت «الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذَّرَّةُ وَالِدُخْنُ وَالْأَرُزُّ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسَّمْسَمُ كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ» از گندم و جو، نام برده شده که به اتفاق فقیهان فریقین، زکات بر آنها واجب است. پذیرفتنی نخواهد بود که عبارتی که با سیاق واحد بیان شده همزمان متضمن دو حکم وجوب و استحباب باشد. عباراتی مانند «كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ» در روایات بیانگر توسعه، گرچه جنبه خبری دارند ولی در مقام پاسخ به پرسش بوده و به این جهت بیانگر انشاء حکم خواهند بود. به این جهت، از لحاظ بلاغی این جملات خبری، تأکید بیشتری در بیان حکم خواهد داشت. و مانند قانونی فراگیر بر گستره موضوعات، اثر گذار خواهند بود.

از طرفی عرف میان برخی از روایات دسته اول و دسته دوم، تعارض و تهافتی آشکار می‌بیند. برای نمونه روایت «لَيْسَ فِيمَا أُثْبِتَتِ الْأَرْضُ شَيْءٌ إِلَّا فِي هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۶۳) بر عدم ثبوت زکات هیچ محصول زراعی جز غلات اربعه رهنمون است. در حالیکه روایت «فِي كُلِّ شَيْءٍ أُثْبِتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا الْخُضَرَ وَالْبُقُولَ وَكُلَّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵) بر ثبوت این موارد دلالت دارد. به دیگر سخن، لسان بسیاری از دو دسته از روایات انحصار و توسعه، لسان نفی و اثبات است نه امر به فعل و ترخیص ترک آن. شاهی بر این معنا، آن است که اصحاب ائمه (ع) از روایات توسعه، انحصار را برداشت نکرده‌اند، به همین

جهت باز هم از ائمه پرسش نمودند. سزایند یاد کرد است که به مجرد اختلاف میان اخبار، نمی‌توان دسته‌ای را بر حکم غیر الزامی و دسته دیگر را بر حکم الزامی حمل نمود و حمل بر استحباب، نیازمند دلیل یا قرینه‌ای موجه است (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، صص ۱۴۹-۱۵۰؛ منتظری، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۶۰). بر فرض پذیرش اینکه این روایات تنها بیانگر اصل اولیه مشروعیت بیان شده‌اند، باز هم نمی‌توان پذیرفت که این روایات بر استحباب حمل می‌شوند چرا که دلیلی بر چنین حملی وجود ندارد و معارضه روایات دو دسته انحصار و توسعه را نمی‌توان دلیلی برای حمل بر استحباب یک دسته و حمل بر وجوب در دسته دیگر دانست.

۴-۳. حمل روایات بر تقیه

برخی از فقیهان بر این باورند که قرائن داخلی و خارجی، رهنمون بر وجود تقیه در این روایات است. قرائن خارجی همان فتاوای عامه است که شیخ طوسی از شافعی، مالک، ثوری، ابن ابی لیلی، ابویوسف و ابوحنیفه نقل کرده که زکات به همه حبوبات تعلق می‌گیرد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۴؛ علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۰؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۵۰ و ۱۵۳؛ شوشتی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۵). در فقه حنفی نیز شرط وجوب زکات آن است که زائد بر حاجت اصلی باشد یا مال التجاره نباشد و به میزان نصاب برسد (فقیری هروی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۷۳). عباراتی در متن روایات مانند «كَذَبُوا فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ» نشان می‌دهد که توسعه زکات از مجعولات عامه است (شیرازی، ۱۴۰۸، ج ۲۹، ص ۲۱۶؛ سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۸).

بررسی و نقد

نمی‌توان پذیرفت که موارد مشمول زکات نزد مشهور عامه قابل توسعه است. چرا که بسیاری از بزرگان اهل سنت مانند احمد بن حنبل، حسن بن صالح بن حی، ابن ابی لیلی و ابن سیرین معتقد به انحصار موارد زکات در موارد نه گانه بوده‌اند (ر.ک: ابن قدامه، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵۰). حتی ابن حزم، کشمش را در شمار موارد زکات ندانسته و تنها پرداخت هشت مورد را واجب

می‌داند (ابن حزم، بی تا، ج ۵، ص ۲۰۹). در این حالت، حمل روایات توسعه بر تقیه به سبب موافقت با عامه وجهی نخواهد داشت. در روایات فراوانی از طریق عامه نیز بر انحصار موارد زکات غلات اشاره شده است. بنگرید:

- بنا بر مبانی رجالی اهل سنت در حدیث صحیحی از موسی بن طلحه چنین نقل شده است: «عندنا کتاب معاذ بن جبل عن النبی (ص) أنه إنما أخذ الصدقة من الحنطة و الشعير و الزبيب و التمر» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۵۸). کاربست واژه «انما» در این حدیث، به آشکاری بیانگر انحصار است. در حدیث دیگری چنین آمده است: «عن أبي بردة عن أبي موسى ومعاذ أن رسول الله (ص) بعثهما إلى اليمن يعلمان الناس أمر دينهم، فأمرهم أن لا يأخذوا الصدقة إلا من هذه الأربعة: الحنطة والشعير والتمر والزبيب» (دارقطنی، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۹۹).

هم چنین نمی‌توان عبارت روایی «كذبوا فهل يكون العفو الا عن شيء قد كان» را بیانگر تقیه دانست. این عبارت بیانگر مخالفت امام (ع) با نظریه عامه است و لسان ادله بیانگر تقیه با عباراتی مانند «كذبوا» و ایجاد حالت خشم در امام (ع) پس از شنیدن نظریه عامه، ناسازگار نمی‌نماید. هم چنین، استناد به اینکه امام صادق (ع) وجود مواردی چون ذرت و کنجد در عصر نبوی را به اثبات رسانده نیز برای اثبات تقیه‌ای بودن حکم در روایات توسعه کافی نیست. چرا که توضیح امام (ع) در برابر اشخاصی است که منکر وجود چنین مواردی در عصر نبوی بودند. اما با اعتقاد به اینکه رسول خدا (ص) با در نظر داشتن وجود این موارد از آنها عفو نموده‌اند، جایی برای باور به تقیه باقی نخواهد گذاشت.

از دیگر سو، تقیه، بر حسب ضرورت رخ می‌نماید و بنا بر قاعده «الضرورات تتقدر بقدرها» شایسته است سخنان تقیه‌ای به نحو مختصر یا متناسب با موضوع پرسش پرسشگر بیان شوند. بر اساس این قاعده بیان حکم ثانوی یا اضطراری تنها باید مطابق با ضرورت باشد (مصطفوی، ۱۳۸۷،

ص ۱۵۲؛ تسخیری، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۰۱) و نباید بیش از آن موارد شمول حکم را توسعه داد. به دیگر سخن اگر پرسشگری از موردی خاص پرسش نموده و امام (ع) ناگزیر از بیان حکم بر اساس تقیه است، کافیت تنها حکم همان مورد خاص بیان شود نه اینکه حکم موارد دیگری هم که در موضوع پرسش قرار ندارد، بیان شود. در حالیکه در شماری از روایات، امام (ع) بیش از موضوع سؤال، به بیان حکم پرداخته‌اند.

برای نمونه، زرارہ تنها از حکم ذرت پرسش می‌نماید، اما امام صادق (ع) چنین پاسخ می‌دهند: «الدُّرَّةُ وَالْعَدَسُ وَالسُّلْتُ وَالْحُبُّوبُ فِيهَا مِثْلُ مَا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَكُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ قَبْلَ الْاَوْسَاقِ الَّتِي تَجِبُ فِيهَا الزَّكَاةُ فَعَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ». در روایت دیگری، محمد بن اسماعیل بن بزيع از امام کاظم (ع) تنها درباره زکات برنج پرسش می‌نماید ولی امام با توسعه موضوع پاسخی به این شکل بیان می‌فرمایند: «مَا سَقَى بِالْأَكُوْفِ فَخَصْفُ الْعُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كِلَتْ بِالصَّاعِ...». این عبارات را نه تنها نمی‌توان بر تقیه حمل نمود، بلکه شایسته است آنها را بیانگر قاعده‌ای عمومی برای پرداخت زکات دانست. در روایت دیگری که دربردارنده پرسش حریر از امام صادق (ع) درباره زکات برنج است، امام (ع) تنها به بیان حکم کلی آن اکتفا نفرموده‌اند بلکه تعلیلی برای عدم وجوب زکات در عصر نبوی و لزوم آن در عصر صدور، تبیین نموده‌اند.^۹ این توضیحات با قاعده عمومی بیان حکم به نحو اختصار به سبب مراعات تقیه ناسازگار است.

۵- دیدگاه برگزیده

بر اساس آنچه گفته شد، هر یک از راهکارهای مواجهه با طوائف روایات موضوع، با کاستی‌هایی روبرو بودند. این راهکارها بر مرجحات باب تعارض در حوزه سند، جهت صدور یا

^۹. بنگرید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ فِي الْأَرْضِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ (ع) نَعَمْ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْضٍ فَيَقَالَ فِيهِ وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَعَامَّةُ خَرَّاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵).

متن قرار داشتند. در این بخش کوشش شده تا روشی نوین در مواجهه با روایات ارائه گردد تا بتوان حکم مناسبی را از مجموع روایات بر کشید.

۵-۱. شاهد جمع میان روایات

یکی از روشهایی که برای زدودن تعارض ظاهری میان روایات قابل بهره است، استفاده از روشی است که بر اساس، روایت یا روایاتی در قامت فهم حکم دو دسته روایات دیگر مورد استناد قرار میگیرند، در دانش اصول فقه روایت یا روایاتی که چنین نقشی را ایفاء می کنند، شاهد جمع نامیده می شوند (لجنة تألیف قواعد الفقهیه و الاصولیه، ۱۴۲۷، ص ۴۷۰). در این روش، دلیلی لفظی یا عقلی در قامت، تفسیر کننده روایات به ظاهر معارض قرار گرفته، به گونه ای که با بهره از آن می توان جمعی مقبول میان روایات ارائه داد.

۵-۱-۱. روایت اول: عفو زکات خرما و قرار دادن زکات برای برنج

ثقه الاسلام کلینی در روایت موثق، پرسش اسماعیل بن بزیع از امام کاظم (ع) و پاسخ ایشان را به شکل ذیل گزارش می نماید: «إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَ أَرْزًا فَمَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهَا؟ فَقَالَ (ع) أَمَّا الرُّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ وَ أَمَّا الْأَرْزُ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ بِالْعُشْرِ وَ مَا سَقَى بِالْذَّكَو فَنُصَفُ الْعُشْرِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۷). اسماعیل بن بزیع در مورد حکم زکات خرما و برنج از امام کاظم (ع) پرسش می نماید، امام (ع) خرما را از زکات معاف شمرده و زکات برنج آبیاری شده با آب باران را یک دهم و زکات برنج آبیاری شده به شکل دستی را یک بیستم معرفی می کند. فقیهان در مواجهه با این روایات تنها به بخش دوم آن توجه کرده و مشهور آن را بر استحباب پرداخت زکات برای برنج حمل کرده اند. حسب جستجوی نگارنده برای وجوب زکات برنج به شکل مستقیم از این روایت استفاده نشده است. اما سخن در این بخش اول پاسخ امام (ع) در روایت است.

بر اساس فراز «أَمَّا الرُّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ»، امام (ع) زکات خرما را برای پرسشگر معاف نموده است. حال آنکه بر اساس روایات بیانگر انحصار، خرما یکی از مواردی است که بر آن زکات تعلق می‌گیرد. از طرفی روایت را نمی‌توان بر تقیه حمل نمود چرا که حتی اگر نظر تمامی عامه بر توسعه موارد زکات پذیرفته شود، باز هم نمی‌توان پذیرفت که امام (ع) بر اساس تقیه، حکم زکات برنج را موافق عامه بیان کرده باشند و حکم زکات خرما را مخالف با نظر اهل تسنن و شیعه بیان نموده باشند. هم چنین نمی‌توان روایت را بر استحباب حمل نمود، چرا که زکات بر خرما به اتفاق تمامی باورمندان به انحصار واجب است و امام (ع) آنرا فاقد زکات دانسته‌اند. همین امر نشان می‌دهد که امام (ع) می‌تواند موارد زکات را بنا بر صلاحدید خویش، کم یا زیاد نماید.

۲-۱-۵. روایت دوم: عفو زکات برنج مدینه و ثبوت زکات برنج عراق

شیخ طوسی به اسناد صحیح خویش، روایتی را نقل می‌کند که بیانگر پرسش حریر بن عبدالله از امام صادق (ع) و پاسخ حضرت است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ فِي الْأَرْضِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ (ع) نَعَمْ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْضٍ فَيَقَالُ فِيهِ وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَعَامَّةُ خَرَجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵). بر اساس این روایت، حکم زکات برنج مورد پرسش قرار گرفت. امام (ع) در پاسخ به نکته‌ای راهبردی اشاره نموده‌اند که بیانگر توجه به شرایط مکانی منطقه‌ای است که محصولات کشاورزی از آن استخراج می‌شوند. امام صادق (ع) زکات برای برنج را از در منطقه مدینه معاف دانسته‌اند اما همین محصول در عراق را مشمول زکات دانسته‌اند. این امر نشان می‌دهد توجه به عرف می‌تواند دست‌مایه تغییر احکام بر حسب تغییر موضوعات و اهداف تشریع احکام قرار بگیرد.

۳-۱-۵. روایت سوم: وابسته بودن زکات بنا بر نظریه معصوم (ع) در هر زمان و مکانی

شیخ طوسی به اسناد خویش در حدیث صحیحی از زراره چنین نقل می‌کند: «كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) وَ لَيْسَ عِنْدَهُ غَيْرُ ابْنِهِ جَعْفَرٍ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ إِنَّ أَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عُثْمَانُ تَنَازَعَا

عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ عُثْمَانُ كُلُّ مَالٍ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ يُدَارُ بِهِ وَيَعْمَلُ بِهِ وَيَتَجَرُّ بِهِ فِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ. فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَمَّا مَا اتَّجَرَّ بِهِ أَوْ دِيرَ وَ عَمِلَ بِهِ فَلَيْسَ فِيهِ زَكَاةٌ إِنَّمَا الزَّكَاةُ فِيهِ إِذَا كَانَ رِكَازاً أَوْ كَنْزاً مَوْضُوعاً فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَفِيهِ الزَّكَاةُ فَاخْتَصَمَا فِي ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ فَقَالَ (ص) الْقَوْلُ مَا قَالَ أَبُو ذَرٍّ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لِأَيِّهِ مَا تُرِيدُ إِلَى أَنْ تُخْرِجَ مِثْلَ هَذَا فَيَكْفِ النَّاسُ أَنْ يُعْطُوا فَقَرَاءَهُمْ وَمَسَاكِينَهُمْ؟ فَقَالَ أَبُوهُ (ع) إِلَيْكَ عَنِّي لَا أَجِدُ مِنْهَا بُدْلاً (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۰). برخی بر این باورند که بر اساس فراز پایانی این روایت، امام معصوم و نائش می‌توانند بر حسب مقتضیات زمان و مصالح برای هر چیزی، زکات قرار دهند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۲۹۴). گرچه پرداخت زکات در شمار اعمال عبادی اسلام جای دارد اما ساماندهی امور مربوط به دریافت و رساندن به مستحقان آن نیاز به سازماندهی و نظام تشکیلاتی دارد. حتی ناروا نیست گفته شود که توجه به شرایط صاحبان اموال از شئونی است که تحقق آن وابسته به کارآمدی و نظام مند بودن دستگاه دریافت عایدات زکویه است.

۴-۱-۵. روایات بیانگر عفو رسول خدا (ص)

غالب روایات بیانگر انحصار زکات در نه مورد دربردارنده جملاتی هستند که بیانگر عفو رسول خدا (ص) از سایر موارد است. برخی از عبارات مندرج در این روایات به شکل ذیل است: «عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۳)؛ «عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (همان، ج ۷، ص ۴۶) و «وَعَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (همان، ج ۷، ص ۹). مجموع روایات در بردارنده عباراتی مشابه به سیزده مورد می‌رسد (ن.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۳؛ ۵۵، ۵۷-۵۹ و ۶۰). از این روایات به سادگی می‌توان دریافت که موارد زکات به دست رسول خدا (ص) نهاده شده و از برخی از آنها عفو نموده و ثبوت زکات برای برخی ز آنها را بیان نموده‌اند.

۲-۵. برآیند مفاد روایات شاهد جمع

بر اساس روایت نخست، امام کاظم (ع) زکات خرما را عفو نموده و برای برنج زکات قرار دادند. بر اساس روایت دوم نیز امام صادق (ع) زکات برای برنج را در مورد اهل عراق تشریع نموده اند و زکات برای برنج کاران مدینه را معاف دانسته‌اند. بر اساس روایت سوم نیز پرداخت عایدات زکوی محصولات مختلف به امام (ع) جایز شمرده شده است. از این روایات می‌توان دریافت که مواردی که زکات بر آنها واجب می‌گردد، بنا بر شرایط زمانی، مکانی یا صلاحدید معصومان (ع) یا جانشینان صالح آنان که وظیفه مدیریت و راهبری جامعه را بر عهده دارند، قابل تغییر است.

از مجموعه روایات بیانگر عفو رسول خدا (ص) نیز به آشکاری بر می‌آید که حکم زکات در تمامی اموال در نظر گرفته شده و رسول خدا (ص) بر بخشی از آنها زکات قرار داده است. به دیگر سخن، انحصار زکات در موارد نه گانه از سنت‌های نبوی بوده نه فریضه واجبی که پروردگار، موارد آنرا تعیین کرده باشد (قائمی، ۱۳۸۵، ص ۲۹؛ قربانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷). ثقه الاسلام کلینی دیدگاه یونس بن عبدالرحمن درباره شرح احادیث مربوط به عفو رسول خدا (ص) از زکات مابقی اشیاء چنین آورده است: «قَالَ يُونُسُ: مَعْنَى قَوْلِهِ: «إِنَّ الزَّكَاةَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ النُّبُوَّةِ كَمَا كَانَتِ الصَّلَاةُ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهَا سَبْعَ رَكَعَاتٍ، وَكَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَضَعَهَا وَسَنَّا فِي أَوَّلِ نُبُوَّتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْحُجُوبِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۴).

برخی بر این باورند که این مورد از شذوذات یونس بوده و قابل اعتنا نیست (علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۰). اما این دیدگاه به راحتی قابل پذیرش نیست، چرا که در روایات فراوانی، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) مقام علمی و نقش آفرینی او در انتقال معارف را ستوده و با تجلیل از وی، بهشت را بر او تضمین نموده‌اند (ر.ک: کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، صص ۷۷۹-۷۸۵). هم چنین

براساس روایتی، امام کاظم (ع) دیدگاه یونس را درباره زکات تایید فرموده‌اند.^{۱۰} امام رضا (ع) نیز شیعیان را به اخذ معالم دین از یونس هدایت فرموده‌اند (همان، ج ۲، ص ۸۸۴). بر این اساس، می‌توان دریافت که رسول خدا (ص) از جنبه رسالی و تبیین احکام الهی، اصل تشریع زکات را تبیین نمودند و از جنبه حکومت بر مسلمانان، زکات را در عصر خویش به نه مورد منحصر نمودند. از این رو در هر عصری، حاکم اسلامی می‌تواند با توجه به منابع ثروت شهروندان و نیازمندی مستحقان دریافت زکات، مواردی را برای پرداخت زکات تعیین نماید.

شاید به نظر برسد که عفو رسول خدا (ص) به دلیل عدم وجود محصولات دیگر در عصر نبوی بوده است. اما این دیدگاه استوار نمی‌نماید، چرا که بنا بر حکم عقل و روایاتی مانند «فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۲)، عفو رسول خدا (ص) تنها در مواردی معنا دار است که سبب کاستن مقداری از حجم تکلیف گردد. پس عدم وجوب زکات بر مواردی مانند برنج، به سبب عدم وجود آنها در عصر نبوی نبوده است (اشتহারدی، ۱۴۱۷، ج ۲۲، ص ۸۰).

بنا بر گزارش‌های تاریخی، مهم‌ترین محصول زراعی مدینه، خرما بود. پس از آن حبوباتی مانند گندم و جو عموماً در فاصله میان نخل‌ها کشت می‌شدند و بعد از ورود مهاجران به مدینه، گندم در صدر محصولات زراعی قرار گرفت. در میان میوه‌ها و سبزیجاتی که کشت می‌شدند نیز انواع مختلف انگور نیز فراوان تر و مهم تر از بقیه بودند. محصولات چوبی چون برنج نیز که نیازمند آب فراوانی بودند و آبهای زیر زمینی برای سیراب کردن آنها کفایت نمی‌کرد در مدینه و مکه به ندرت کاشت می‌شدند، اما در عراق به سبب بهره‌مندی از آبهای سطحی و زیر زمینی، کاشت برنج متداول بود (ن. ک: کتانی فاسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸).

^{۱۰} وَجَدْتُ بِحُطِّ جَبْرِيلَ بْنِ أَحْمَدَ فِي كِتَابِهِ، حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْأَدَمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الرَّبِيعِ الْأَقْرَعِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ رُشِيدِ الْبَصْرِيِّ، قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَقْرَعِ ثُمَّ لَقِيتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ فَحَدَّثَنِي بِهَذَا الْحَدِيثِ، قَالَ: كُنَّا فِي مَجْلِسِ عِيسَى بْنِ سَلِيمَانَ بَغْدَادَ، فَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى عِيسَى، فَقَالَ: أَرَدْتُ أَنْ أَكْتُبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (ع) فِي سَأَلِهِ أَسْأَلُهُ عَنْهَا: جَعَلْتُ فِدَاكَ عِنْدَنَا قَوْمٌ يَقُولُونَ بِمَقَالِهِ يُونُسَ فَأَعْطَاهُمْ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً، قَالَ: فَكُتِبَ إِلَيَّ: نَعَمْ أَعْطَاهُمْ فَإِنَّ يُونُسَ أَوَّلُ مَنْ يُجِيبُ عَلَيَّ إِذَا دُعِيَ» (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۰۴).

عمده ثروت مردمان در عصر نبوی در همان نه مورد بود، ولی در زمان ائمه علیهم السلام منابع مالی افزایش یافته بود (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۷؛ حیدری، ۱۴۳۲، ص ۷۳). این برداشت را می‌توان به روایت صحیح‌ه حریر از امام صادق (ع) مستند دانست که در آن چنین آمده است: «إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْضٍ فَيَقَالَ فِيهِ...» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵). به نظر می‌رسد که این روایت بیانگر وجه غالبی محصولات کشاورزی در مدینه است و نمی‌توان به نحو کلی، وجود محصولاتی چون برنج را در مدینه منکر شد. چرا که عفو کردن رسول خدا (ص) از چیزی که وجود ندارد، بی‌معنی خواهد بود. به دیگر سخن، میزان این محصول و ثروت حاصله از آن، به قدری ناچیز بود که رسول خدا (ص)، زکات آن را برای مردمان مدینه عفو فرموده بودند. بر اساس روایت مرسل «كَانَ وَاللَّهِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) السَّمَّاسِمُ وَالذَّرَّةُ وَالِدُّخْنُ وَجَمِيعُ ذَلِكَ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۵۴) نیز امام صادق (ع) وجود محصولاتی به جز غلات اربعه را در عصر نبوی تأیید نموده‌اند.

این دیدگاه منطقی می‌نماید که زکات در موارد غیر قابل توجه ثروت در عصر نبوی، نشان می‌دهد که موارد زکات را باید بر حسب قابل توجه بودن تولید ثروت از آنها به نحو عمومی در نظر گرفت (ر.ک: قائی، ۱۳۸۵، ص ۷۹). به دیگر سخن، روایات بیانگر انحصار، رهنمون بر حصر نسبی هستند نه حصر مطلق. به این بیان که با توجه به عفو نبوی نمی‌توان از آنها حصر موارد زکات در همه زمانها را دریافت.

مجموع روایتی که به عنوان شاهد جمع مورد استناد قرار گرفته‌اند، همگی بر تغییر پذیری حکم موارد زکات بر حسب شرایط زمانی، مکانی یا مصالح اجتماعی استوار است. تشخیص این موارد نیز بر عهده معصومان (ع) یا جانشینان صالح آنها در عصر غیبت خواهد بود.

۳-۵. تحلیل روایات دال بر انحصار

ظاهر فقراتی از روایات مانند «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ، وَتَقُولُ: عِنْدَنَا أَرْزُ، وَعِنْدَنَا ذُرَّةٌ، وَ قَدْ كَانَتِ الذُّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَقَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ذَلِكَ هُوَ، وَ الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۶) متناقض به نظر می‌رسند. به این بیان که امام صادق (ع) با استناد به عمل رسول خدا (ص)، مواردی مانند برنج و ذرت را مشمول زکات نمی‌دانند، در حالیکه در فقره پایانی روایت، زکات را بر هر چیز وزن پذیر با صاع ثابت می‌دانند. به نظر می‌رسد به سبب در اختیار بودن عایدات زکوی در خزانه دولتهای نامشروع عصر صدور، امام (ع) با استناد به سیره نبوی از تعلق زکات به مواردی بیش از موارد نه گانه مشهور جلوگیری می‌کردند تا منابع مالی بیشتری در اختیار حکومت‌های وقت قرار نگیرد. در حالیکه حکم مسأله را با بیان عبارت «الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ» بیان نموده‌اند. به دیگر سخن، حاکمان وقت به جهت کسب درآمدهای زکوی بیشتر، مایل به توسعه موارد زکات بودن، اما صادقین علیهما السلام، برای جلوگیری از افزایش قدرت مالی آنان، انحصار موارد زکات در نه مورد را به سنت نبوی مستند می‌ساختند تا از این طریق، از قرار داشتن عایدات زکوی شیعیان در اختیار حکومت‌های جور، جلوگیری کنند. یکی از ثمرات این راهکار، حفظ اموال شیعیان بوده است. با این بیان، این روایات را می‌توان گونه‌ای از تقیه مالی بر شمرد. از این رو صادقین علیهما السلام و امام کاظم (ع) در روایاتی به آشکاری بر ثبوت زکات در حبوبات و ... تصریح کرده‌اند. این روایات، بیانگر حکم واقعی مسأله هستند. اما بیشنه روایاتی که بیانگر حصر هستند به عفو رسول خدا (ص) مستند شده‌اند تا حکم پرداخت زکات به حاکمان جور با دلیلی مستند به سیره نبوی، سبب اسکات مخالفان گردد. به دیگر سخن، روایات بیانگر انحصار، وظیفه شیعیان عصر

قدرتمندی حاکمان جور را بر اساس شرایط سیاسی زمانه بیان کرده‌اند نه اینکه بیانگر حکم واقعی مساله را به نحو عام ازمانی بیان کرده باشند.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد دستاوردهای نوشتار حاضر عبارتند از:

۱. راهکارهای مشهور برای زدودن تعارض میان روایات بیانگر انحصار موارد زکات و راهکارهای توسعه این موارد با چالش‌های مربوط به قواعد استظهار مواجه است.
۲. باور به غیر الزامی بودن حکم مندرج در روایات بیانگر توسعه، با برداشت عرف از ظاهر این روایت مخالف است. چرا که نحوه تقابل میان شماری از دو دسته روایات، از قبیل تقابل عدم و ملکه است که وجوب و حرمت را به اثبات می‌رساند نه وجوب و استحباب را.
۳. حمل روایات بیانگر عدم انحصار بر تقيه نا استوار می‌نماید. چرا که اهل سنت در مورد موارد زکات همداستان نیستند و تعداد قابل توجهی از آنان موارد زکات را منحصر در نه مورد می‌دانند. هم چنین حمل بر تقيه با لسان برخی از این روایات ناسازگار بوده و سبب خدشه در قاعده «الضرورات تنقذر بقدرها» می‌گردد.
۴. در متن برخی روایات به مواردی اشاره شده که می‌توان آنها را در قامت شاهد جمعی برای فهم روایات به ظاهر متعارض به کار برد. این موارد عبارتند از: عفو رسول خدا (ص)، ثبوت زکات برای برنج، عفو زکات خرما و وابسته بودن زکات محصولی واحد به شرایط جغرافیایی. بر این اساس، می‌توان فهمید که موارد زکات بنا بر دیدگاه هر معصومی در دوره خویش بیان شده است.

۵. بر اساس دیدگاه برگزیده نیازی به طرح روایات یا حمل آنها بر مواردی مانند استحباب یا تقیه نخواهد بود. بلکه تمامی روایات مطرح شده در بستر زمانی و مکانی خویش دارای حجیت بوده و عمل به آنها سبب معذرت مکلفان خواهد بود.

منابع و مأخذ

• قرآن مجید.

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، موسوعه ابن ادریس الحلی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، اسلامی، ۱۳۶۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن حزم، علی بن احمد، المجلی، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م.
۶. ابن زهره، حمزه بن علی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
۷. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی و یلیه الشرح الکبیر، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
۸. اشتهااردی، علی پناه، مدارک العروه، قم، اسوه، ۱۴۱۷ق.
۹. انصاری، محمد علی، الموسوعه الفقهيّه المیسره، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۰. ایروانی، جواد، زکات باطنی، مشهد، سوم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۴.
۱۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول (با حواشی مشکینی)، قم، لقمان، ۱۴۱۱ق.
۱۲. آملی، محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی، بی جا، بی نا، ۱۳۸۴ق.
۱۳. بحر العلوم، سید محمد مهدی، رجال السید بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق (ع)، ۱۳۶۳.
۱۴. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم، اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۵. تسخیری، محمد علی، القواعد الاصولیه و الفقهيّه، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۱ق.
۱۶. جعفری، محمد تقی، (۱۴۰۰)، «عدم انحصار زکات در موارد نه گانه»، چاپ شده در مجموعه آثار علامه جعفری (ج ۵): حقوق جهانی بشر و کاوش های فقهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، صص ۵۱۲-۵۳۶.

۱۷. جمعی از پژوهشگران، (۱۳۷۶)، «مسائل مستحدثه زکات در گفتگو با آیات مکرّم سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی، شیخ محمد آصفی و محمد هادی معرفت»، فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره دهم، صص ۳-۲۵، تابستان.
۱۸. جناتی، محمد ابراهیم، فقه و زمان، قم، مؤسسه احیاء گران‌اندیشه دینی، ۱۳۸۵.
۱۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۱. حسینی میلانی، سید علی، تحقیق الاصول علی ضوء ابحاث شیخنا الفقیه المحقق و الاصولی المدقّق ایّه الله العظمی الوحید الخراسانی، قم، الحقائق، ۱۴۳۵ق.
۲۲. حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، قم، دار التفسیر، ۱۳۷۴.
۲۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ق.
۲۴. حیدری، سید کمال، رسائل فقهیه، بیروت، مؤسسه الهادی للطباعه و النشر، ۱۴۳۲ق.
۲۵. خواجه‌نوی، اسماعیل، جامع الشتات (خواجه‌نوی)، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۸ق.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم، رساله توضیح المسائل، قم، مؤسسه احیاء الآثار امام الخویی، ۱۴۲۲ق.
۲۷. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، تقریرات محمد سرور واعظ بهسودی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۲ق.
۲۸. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، قاهره، دار المحاسن، ۱۹۶۶م.
۲۹. سبحانی، جعفر، الزکاه فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۳۲ق.
۳۰. سبحانی، محمد تقی و مرتضیٰ علیزاده نجار، (۱۳۹۴)، «امام، مصدر تشریع»، پژوهشهای کلامی، شماره یازدهم، صص ۲۱-۳۶.
۳۱. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، المراسم فی الفقه الاسلامی، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۳۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۶ق.
۳۳. شوشتری، محمد تقی، النجعه فی شرح اللمعه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۴.
۳۴. شیخ مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۵. شیرازی، سید محمد، الفقه (الزکاه)، بیروت، دوم، دار العلوم، ۱۴۰۸ق.
۳۶. صادقی تهرانی، محمد، رساله توضیح المسائل نوین، تهران، امید فردا، ۱۳۷۸.

۳۷. صادقی تهرانی، محمد، تبصره الفقهاء على تبصره التعلیمین، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۳۸. صالحی مازندرانی، اسماعیل، مفتاح الاصول، قم، صالحان، ۱۴۲۴ق.
۳۹. صنقور، محمد، المعجم الأصولی، قم، دوم، منشورات الطیار، ۱۴۲۸ق.
۴۰. طباطبایی کربلایی، سید علی، ریاض المسائل، مشهد، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۴۱. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران، چاپ سوم، مرتضوی، ۱۳۷۵.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، قم، اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۵. علم الهدی، سید علی بن حسین، الانتصار، قم، اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴۶. فضل الله، سید محمد حسین، فقه الشریعه، بیروت، دار الملائک، ۱۴۳۲ق.
۴۷. فقیری هروی، عبدالواحد، توضیح المسائل فقه حنفی، تربت جام، چاپ دوم، شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۴.
۴۸. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۴۱۴ق.
۴۹. قائنی، محمد، زکات پول های رایج و اشیاء نوپیدا، ترجمه محمد قناد معتمدی، قم، مرکز فقیهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۸۵.
۵۰. قربانی، زین العابدین، زکات: آزمایش الهی، رشت، بلور، ۱۳۹۱.
۵۱. کتانی فاسی، محمد بن عبدالکبیر، نظام الحکومه النبویه المسمی التراتیب الاداریه، بیروت، دم، دار الأرقم، بی تا.
۵۲. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحديث، ۱۴۲۹ق.
۵۴. گلپایگانی، سید محمد رضا، هدایه العباد، قم، دار القرآن الکریم، بی تا.
۵۵. لجنه تألیف القواعد الفقهیه و الاصولیه التابعه لمجمع فقه اهل بیت (ع)، قواعد اصول الفقه علی مذهب الامایه، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۲۷ق.
۵۶. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۳۱ق.
۵۷. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین، تهران، کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

۵۸. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشهداء (ع)، ۱۳۶۶.
۵۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۶۰. محقق سبزواری، محمد باقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، آل البيت عليهم السلام، بی تا.
۶۱. مدرسی طباطبائی، سید حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۸.
۶۲. مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد الفقهیه، قم، اسلامی، ۱۳۸۷.
۶۳. منتظری، حسینعلی، کتاب الزکاه، قم، اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶۴. موسوی خمینی، سید روح الله، الخلل فی الصلاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۶۵. موسوی خمینی، سید روح الله، رساله توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
۶۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۱ق.
۶۷. یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی و التعليقات علیها، قم، مؤسسه السبطين علیهما السلام، ۱۳۸۸.
۶۸. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، قم، مؤسسه امام باقر (ع)، ۱۳۸۶.